

عوامل ابتلا به لقمه حرام

(در معاملات)

مقدمه

عوامل ورود لقمه حرام به زندگی انسان و بیان مصادیق آن، امری مهم و ضروری به نظر می‌رسد. تصور برخی بر این است که لقمه حرام در زندگی آنها جایگاهی ندارد؛ چرا که آنان از دسترنج خود بهره می‌برند و به مال دیگران دست‌اندازی نمی‌کنند؛ در حالی که شیطان از راه‌هایی انسانها را گمراه می‌کند که تصور نمی‌شود. بنابراین، تشخیص درآمد حرام از حلال، مهم‌ترین راه برای دوری از لقمه حرام است؛ بسیاری از افراد از حرام بودن درآمد خود آگاهی ندارند و یا در قبال آن بی‌تفاوتند، این بی‌توجهی آنان را وارد حرام خوری می‌کند.

برخی از عوامل ابتلاء به درآمد حرام (۱)

۱. عدم آگاهی به احکام معاملات

آگاهی از مسائل شرعی، کمک بسیار زیادی در شناخت لقمه حلال و حرام دارد. برخی افراد؛ به خصوص اهل بازار، از احکام معامله مطلع نیستند و ناخواسته مال حرام یا شبهه‌ناک را وارد زندگی خویش می‌نمایند؛ در حالی که در روایت آمده است که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مَنْ أَرَادَ التَّجَارَةَ فَلْيَتَفَقَّهُ فِي دِينِهِ لِيَعْلَمَ بِذَلِكَ مَا يَحِلُّ لَهُ مِمَّا يَحْرُمُ عَلَيْهِ، وَمَنْ لَمْ يَتَفَقَّهُ فِي دِينِهِ ثُمَّ اتَّجَرَ تَوَرَّطَ الشُّبُهَاتِ؛ (۲) هر کس بخواهد تجارت کند، باید احکام دین خود را بیاموزد تا حلال را از حرام بازشناسد. کسی که احکام دین خود را نیاموزد و تجارت کند، در کام شبهات فرو خواهد رفت.»

«اصبغ بن نباته» می‌گوید: «از امیرالمؤمنین علیه‌السلام شنیدم که بالای منبر می‌فرمود: «يَا مَعْشَرَ التَّجَّارِ! أَلْفِقْهُ ثُمَّ اَلْمُتَجَرَّ أَلْفِقْهُ ثُمَّ اَلْمُتَجَرَّ وَاللَّهِ لَلرَّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ دَبِيبٌ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا؛ (۳) ای صنف تاجر و کاسب! اوّل فقه بعد تجارت! اوّل فقه بعد تجارت! به خدا سوگند، «ربا» در این امت جنبنده‌ای است که [حرکتش] مخفی‌تر از [اثر] حرکت مورچه بر سنگ صاف می‌باشد.»

باید توجه داشت که درآمدهای ناشی از ربا، رشوه، دروغ گفتن در مورد جنس یا قیمت، کم گذاردن از کار، مخلوط نمودن جنس بد با جنس خوب (غش در معامله)، کم فروشی، تعریف و مذمت بیجا از جنس، احتکار و... از جمله مواردی است که مال حرام را به زندگی انسان وارد می‌نماید.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْحَرَامُ وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ وَالرَّبَا؛ (۴) همانا چیزی که بیش‌تر از هر چیز دیگر برای بعد از خودم نسبت به این امت خوف دارم، مکاسب حرام و شهوت پنهان و رباخواری است.»

به همین علت آن بزرگوار بر دقت در کسب و به‌دست آوردن کسب حلال سفارش می‌نمود: «أَطِيبُ كَسْبِكَ تُسْتَجَبُ دَعْوَتُكَ، فَإِنَّ الرَّجُلَ يَرْفَعُ اللَّقْمَةَ إِلَى فِيهِ (حَرَامًا) فَمَا تُسْتَجَابُ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا؛ (۵) در آمدت را پاک کن تا دعایت مستجاب شود؛ زیرا هر گاه آدمی لقمه [حرام] به دهان خود ببرد، تا چهل روز دعایی از او پذیرفته نمی‌شود.»

متأسفانه در زمان کنونی، بیش‌تر سنت‌های حسنه رو به فراموشی است و وظیفه روحانیان است تا به بهترین نحو به

ترویج سنتهای حسنه گذشته اقدام نمایند. در گذشته در شهرهای مذهبی یک حوزه علمیه‌ای درون بازار قرار داشت. در این حوزه‌ها علاوه بر آنکه طلاب به درس مشغول بودند، روحانیون در مکانی در دسترس مردم و بازاریان قرار داشتند، تا به مسائل شرعی آنان پاسخ گویند، ساعتی از روز (مثل صبح قبل از باز شدن بازار) بازاریان در حوزه علمیه جمع می‌شدند و احکام تجارت و خرید و فروش را می‌آموختند و پاسخ سؤالات خود را می‌گرفتند. گرچه احکام معاملات و تجارت بسیار است؛ اما در این مختصر تنها به چند مصداق از مصادیق کسب مال حرام اشاره می‌نماییم.

الف. غش در معامله

غشدر لغت به معنای خیانت، نیرنگ، ناراستی و تقلب است. (۶) و در معامله، عبارت است از مخفی کردن عیب چیزی و فروختن آن به اسم صحیح و سالم. با کمال تأسف امروزه برخی از افراد، با اطلاع از این که جنس معیوب است، آن را به مشتری عرضه می‌کنند و به او تأکید می‌کنند که جنس فروخته شده پس گرفته نمی‌شود. در این میان مشتری که از عیب جنس آگاهی ندارد، و ظاهر سالم آن را می‌بیند، جنس را خریده و زمانی از عیب جنس آگاه می‌شود که راهی برای برهم زدن معامله ندارد. مخلوط کردن برنج خارجی با ایرانی، فروختن جنس ایرانی به اسم خارجی، تبلیغ و تخفیفویژه برای فروش بیش‌تر (در حالی که تخفیفی ندارد)، دست چین کردن میوه مرغوب روی جعبه (برای اینکه تصور کنند میوه‌های زیر نیز مرغوب است)، استفاده از برچسب تقلبی، آب زدن به سبزی مانده برای اینکه تازه جلوه کند، برخی از مصادیق غش در معامله است.

شاعری درباره چنین معاملاتی می‌گوید:

گفت پیغمبر سرافراز انام غش مسلم هست بر مسلم حرام
هر که غشی با مسلمانی کند نامسلمانی است سلمانی کند
هر که بفربید مسلمانی بفن نیست او را بهره از اسلام من
هر که بدهد یک مسلمان را فریب باشد از اسلام یکسر بی نصیب
نیست در ما غش و از ما نیست غاش چون که از ما نیست نابود است لاش
چون مسلمانی است مقصود از وجود نامسلمان را ببین بودش نبود
در مسلمانی است چون حس مال نامسلمان را بگو بر خود مبال

ب. کم‌فروشی

در اسلام مکرر بر مسئله مبارزه با کم‌فروشی در وزن و پیمانه تکیه و تأکید شده است. در یک جا رعایت این نظم را در ردیف نظام آفرینش در پهنه جهان هستی گذارده می‌گوید: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ»؛ (۷) «خداوند آسمان را برافراشت و میزان و حساب [در همه چیز] گذاشت، تا شما در وزن و حساب تعدی و طغیان نکنید».

اشاره به اینکه مسئله رعایت عدالت در کیل و وزن، مسئله کوچک و کم‌اهمیتی نیست؛ بلکه جزئی از اصل عدالت و

نظم است که حاکم بر سراسر هستی است. علامه طباطبایی رحمه الله ذیل این آیه می‌فرماید: «خداوند میان شما میزان وضع کرده، معنایش این است که شما باید در کشیدن و سنجیدن سنگینیها رعایت عدالت را بکنید، و در آن طغیان روا مدارید، (که وقتی جنس را می‌خرید، با سنگی سنگین‌تر بکشید، و چون می‌فروشید، با سنگی سبک‌تر بفروشید) (۸)».

قرآن در جایی دیگر، و با لحنی شدیدتر می‌گوید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ»؛ (۹) «وای بر کم‌فروشان! آنها که به هنگام کیل و وزن کردن [در زمان خرید]، حق خود را به‌طور کامل می‌گیرند، و به هنگام کیل و وزن کردن [در زمان فروش] کم می‌گذارند. آیا آنها گمان نمی‌کنند که در روز عظیمی (روز رستاخیز در دادگاه عدل خدا) برانگیخته خواهند شد؟»

حتی در حالات بعضی از پیامبران در قرآن مجید می‌خوانیم که لبه تیز مبارزه آنها بعد از مسئله شرک متوجه کم‌فروشی بود، و سرانجام آن قوم ستمگر اعتنایی نکردند و به عذاب شدید الهی گرفتار و نابود شدند. (۱۰) لازم به ذکر است که از نظر حقوقی، کم‌فروش ضامن بوده و به خریدار بدهکار است؛ و لذا توبه کم‌فروش جز به ادای حقوقی که غصب کرده، ممکن نیست؛ حتی اگر صاحبانش را نشناسد، باید معادل آن را به عنوان رد مظالم از طرف صاحبان اصلی به مستمندان بدهد. (۱۱)

فروختن بیش از اندازه استخوان همراه با گوشت، کم کردن از متراژ پارچه، آب در شیر کردن و در آب گذاردن مرغ و ماهی و میوه، سبزیجات و... برای افزایش وزن، برخی از نمونه‌های کم‌فروشی است.

ج. احتکار

«مال اندوزی» یک بلای اجتماعی است و بدتر از آن «حرص» است و بدتر از آن «احتکار» و پنهان کردن اجناس مورد نیاز مردم؛ چرا که محترک برای گردآوری مبلغ بیش‌تری از مال دنیا، مشکلات بسیاری را برای جامعه فراهم می‌کند. گرچه احتکار کننده به ظاهر درآمدی به دست می‌آورد؛ ولی خداوند از منافع دیگری او را محروم می‌کند. امیر المؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «الْمُحْتَكِرُ مَحْرُومٌ [مِنْ] نِعْمَتِهِ»؛ (۱۲) احتکارکننده از نعمتهای الهی که قسمت خودش بوده، محروم است.»

از نظر اسلام احتکار و انبار کردن مواد غذایی مورد نیاز و ضرورت مسلمانان، برای گران شدن و بالا رفتن قیمت آن حرام است. در سخنان معصومین علیهم‌السلام احتکار به خوی اشرار و خصلت فاجران معروف، و محترک فردی ملعون (۱۳) معرفی شده است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الْإِحْتِكَارُ شِيْمَةُ الْفَجَّارِ»؛ (۱۴) احتکار خصلت فاجران است.»

د. دروغ

در دین اسلام دروغ به عنوان یکی از بدترین گناهان معرفی شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «كُلُّ خَصْلَةٍ يَطْبَعُ أَوْ يَطْوَى عَلَيْهَا الْمُؤْمِنُ إِلَّا الْخِيَانَةَ وَالْكَذِبَ»؛ (۱۵) مؤمن به هر خصلتی ممکن است خو بگیرد، و در باطن وی باشد، جز خیانت و دروغ.»

حسن بن محبوب می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: ممکن است شخص مؤمن بخیل باشد؟ فرمود: بله.

گفتم: ممکن است شخص مؤمن ترسو باشد؟ فرمود: بله. گفتم: امکان دارد شخص مؤمن دروغ بگوید؟ فرمود: «لَا وَلاَ جَافِياً ثُمَّ قَالَ جَبِلَ الْمُؤْمِنُ عَلَى كُلِّ طَبِيعَةٍ إِلَّا الْخِيَانَةَ وَالْكَذِبَ؛ نه و جفا کننده نیست سپس فرمود: مؤمن [ممکن است] بر هر طبیعتی خو بگیرد مگر خیانت و دروغ».

متأسفانه برخی از افراد به خاطر کم‌ترین درآمدی به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند و نه تنها برای جلب نظر مشتری دروغ می‌گویند؛ بلکه برای فروختن یک کالا حتی از گفتن قسم دروغ نیز ابایی ندارند. به قول شهید مطهری: «برخی افراد اخلاق را مصرف می‌کنند تا پول بگیرند.» (۱۶)

به عنوان مثال: برخی به دروغ می‌گویند: این جنس بهترین جنس است، یا می‌گویند: این جنس مربوط به فلان منطقه یا فلان کشور است؛ در حالی که می‌دانند از آن منطقه نیست. یا می‌گویند: این وسیله سالم است؛ در حالی که می‌دانند معیوب است. یا بازگو می‌کنند: تمام شهر را بگردید، ارزان‌تر از اینجا پیدا نمی‌کنید. برخی نیز قسم می‌خورند که در این جنس، این مبلغ بیش‌تر سود ندارد یا اصلاً به قیمت خرید فروخته می‌شود. رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «وَيْلٌ لِّتَجَارِ أُمَّتِي مِنْ لَأِ وَاللَّهِ وَبَلَى وَاللَّهِ؛ (۱۷) وای بر بازرگانان و کاسبان امت من از [قسم خوردن در خرید و فروش] «نه به خدا قسم» و «آری به خدا قسم» گفتن».

هـ خرید و فروش چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد

از نظر شارع مقدس اسلام، هر چیزی که منفعت و استفاده از آن حرام باشد، خرید و فروش آن نیز حرام است. بر این اساس، خرید و فروش: مشروبات الکلی، آلات قمار (۱۸)، مال دزدی، عکس و فیلمهای مستهجن، کتابهای گمراه کننده، اجرت جهت تکثیر فیلم و نوارهای مبتذل (۱۹)، و... از آن نمونه می‌باشد. همچنین طبق فتاوی‌ای علما: خرید و فروش انگور به افرادی که یقین داریم آن را برای تهیه شراب خریداری می‌کنند (۲۰)، و خرید و فروش سگ غیر شکاری نیز حرام است. (۲۱)

نکته مهمی که نباید از آن غفلت نمود این است که علاوه بر حرمت کسبه‌های حرام و آثار فردی و اجتماعی آن، حق الناس متوجه انسان می‌گردد؛ چرا که انسان حق ندارد در قبال کار حرام پول بگیرد، و اگر پولی بگیرد، مالک آن پول نمی‌شود و حق استفاده از آن را ندارد. و باید توجه داشت که حق الناس سخت‌تر از حق الله است؛ زیرا می‌توان امید داشت که در حق الله با توبه و راز و نیاز، خداوند به لطف و کرمش از حق خود درگذرد و انسان را مورد عنایت خویش قرار دهد؛ لکن از حق مردم در هیچ حالتی صرف نظر نمی‌کند. (۲۲)

و. ربا

ربا نیز یکی دیگر از مصادیق لقمه حرام است. ربا، در لغت به معنای زیادی و افزایش است (۲۳) و در شریعت اسلام به معنای زیاده گرفتن در وام یا بیع است. دین مبین اسلام به شدت با پدیده رباخواری به مبارزه پرداخته است. قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا»؛ (۲۴) «کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) برنمی‌خیزند؛ مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده او نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می‌خورد، گاهی بپا می‌خیزد». این، به خاطر آن است که گفتند: داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست)؛ در حالی

که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! زیرا فرق میان این دو، بسیار است».[۱]

مورد ربا، یا پول است یا جنس. گاهی پول قرض داده می‌شود و بیش از آنچه داده شده، پس گرفته می‌شود، که این ربای قرضی است و گاهی جنسی را می‌دهد و مقدار بیش‌تری از همان جنس را تحویل می‌گیرد، که این نیز در مواردی ربا می‌شود. با کمال تأسف باید اعتراف کنیم که در روزگار ما، رباخواری از حالت آن گناه بسیار زشت و پلید بیرون آمده است و حتی برخی انسانهای به ظاهر مؤمن و با تقوا، با اسمهای مختلف، ربا می‌گیرند و یا ربا می‌دهند؛ در حالی که رباخواری در میان همه پیروان ادیان و از نظر همه کتابهای آسمانی حرام بوده است. (۲۵) از دیدگاه اسلام رباخواری موجب اعلام جنگ خدا و پیامبر با رباخوار است. (۲۶) در روایات اسلامی تعبیراتی بسیار تکان‌دهنده در این زمینه دیده می‌شود. در روایت است که پیغمبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «إِنَّ الدَّرْهَمَ يَصِيبُهُ الرَّجُلُ مِنْ الرَّبَا أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ فِي الْخَطِيئَةِ مِنْ سِتٍّ وَثَلَاثِينَ زَنْيَةً يَزْنِيهَا الرَّجُلُ...»؛ (۲۷) درهمی که انسان از ربا به دست می‌آورد، گناهش نزد خدا از سی و شش زنا بزرگ‌تر است «!!!»....

چند نمونه از موارد ربا:

۱. در معاوضات

اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می‌فروشند، به زیاده‌تر از همان جنس بفروشند، ربا و حرام است. مثلاً یک من گندم را به یک من و نیم گندم بفروشند، ربا و حرام است؛ بلکه اگر یکی از دو جنس سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و جنس دیگری بد باشد، یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند، چنانچه بیش‌تر از مقداری که می‌دهد بگیرد، باز هم ربا و حرام است. پس اگر مس درخت را بدهد و بیش‌تر از آن، مس شکسته بگیرد، یا برنج صدری را بدهد و بیش‌تر از آن برنج گرده بگیرد...، ربا و حرام می‌باشد. (۲۸)

همچنین معاوضه طلای شکسته باطلای ساخته شده به همراه اجرت ساخت، ربا است؛ مثلاً ۵۰۰ گرم طلای شکسته به زرگر داده می‌شود و ۵۰۰ گرم طلای ساخته شده گرفته می‌شود و مبلغی به عنوان اجرت ساخت به زرگر پرداخت می‌شود. این گونه موارد لازم است جنس معیوب به قیمت خودش فروخته شود و در معامله جداگانه جنس سالم خریداری شود. (۲۹)

جو و گندم در ربا یک جنس حساب می‌شود، پس اگر یک من گندم بدهد و یک من و پنج سیر جو بگیرد، ربا و حرام است. (۳۰)

۲. پول نزول

برخی، پولی را به شخص قرض می‌دهند و در تاریخ معینی اصل پول و مقدار معینی پول اضافه بازپس می‌گیرند؛ مثلاً یک میلیون تومان می‌دهد و پس از مدتی یک میلیون و صد هزار تومان می‌گیرد. این پول اضافه، از مصادیق بارز ربا می‌باشد.

۳. سود ماهیانه بدون عقد قرار داد شرعی

برخی، مقداری پول به کاسب می‌دهند و گیرنده متعهد می‌شود که ماهیانه مبلغ معینی را به صاحب پول به عنوان سود پول بپردازد؛ اما شرط نمی‌کنند که این پول را در کسب هزینه نماید و مقداری از سود حاصل از کسب را به آنان بدهد. در این صورت اگر کاسب پول را در جای دیگری هزینه کند و درصدی سود به پول دهنده بدهد، سود

این پول ربا و حرام است. بنابراین وقتی گرفتن سود جایز است که در قالب یکی از عقود شرعی مثل مضاربه، مزارعه و... باشد و مقدار معین و مشخصی را به عنوان سود ماهیانه و یا سالانه تعیین نکرده باشد. (۳۱)

۲. عدم آگاهی به احکام الهی

الف. خمس

یکی از مواردی که به عنوان حق الله مطرح شده و در قرآن و در سخنان اهل بیت علیهم السلام بر آن تأکید بسیار شده، خمس است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ»؛ (۳۲) «بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله، ذی القربی، یتیمان، مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و... ایمان دارید».

آنچه در این آیه شریفه به خوبی بیان شده است، یک پنجم از اضافه سود درآمد یکسال هر شخص، مربوط به دیگران می‌باشد که لازم است در اختیار رهبر حکومت اسلامی و مراجع تقلید قرار گیرد تا در راستای ترویج دین اسلام و کسانی که در آیه به آن اشاره شده است، صرف نمایند. حال کسی که خمس مال خویش را نمی‌دهد، به این معنی است که در حق دیگران تصرف کرده و حاضر نیست حق فقیران و دیگرانی که در اموال او شریکند به آنان بدهد. به همین خاطر است که همه علماء بر این حکم اتفاق نظر دارند که تصرف در مالی که خمس به آن تعلق گرفته است؛ حتی به عنوان قرض جایز نیست؛ مگر آنکه حاکم شرع اجازه تصرف داده باشد. (۳۳) گاهی شخص مال حرام کسب نمی‌کند و در به دست آوردن لقمه حلال تلاش می‌نماید؛ اما پس از کسب مال و وجوب خمس، حقوقی را که خداوند واجب نموده است، فراموش می‌کند و سبب می‌گردد کل تصرفات در اموالش، حرام گردد.

عمران بن موسی می‌گوید: نزد امام موسی بن جعفر علیه السلام آیه خمس را تلاوت نمودم. حضرت فرمود: ... «لَقَدْ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَرْزَاقَهُمْ بِخُمُسِهِ ذَرَاهِمَ جَعَلُوا لِرَبِّهِمْ وَاحِدًا وَأَكَلُوا أَرْبَعَةً أَحِلَاءَ ثُمَّ قَالَ: هَذَا مِنْ حَدِيثِنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَلَا يَصْبِرُ عَلَيْهِ إِلَّا مُمْتَحَنٌ قَلْبُهُ لِلْإِيمَانِ»؛ (۳۴) همانا خداوند روزی مؤمنان را در پنج درهم میسر کرده است، آنان یک درهم را برای خدا قرار می‌دهند و چهار درهم را حلال مصرف می‌کنند سپس فرمود: این مطلب از گفتار ما و [عمل به آن] سخت و دشوار است که تنها کسی به آن عمل می‌کند و صبر را پیشه می‌نماید که قلبش امتحان ایمان را [خوب] داده باشد».

ب. حجاب

متأسفانه استفاده ابزاری از زن که برگرفته از فرهنگ غرب می‌باشد، به روشی معمول درآمدده است. برخی از افراد برای جلب مشتری، از دختران و زنان استفاده می‌کنند و از آن بدتر آنکه برخی از بانوان می‌خواهند با آرایش و یا ظاهری غیر اسلامی مشتریان را به سوی محل کسبشان بکشانند. حجة الاسلام نقویان نقل می‌کردند: «در کیش خانمی از من پرسید: من در جایی کار می‌کنم که صاحب آن شرط نموده که برای جذب مشتری مقداری از موهایت را بیرون بگذاری، من نیز ناچاراً مقداری از موهایم را بیرون می‌گذارم».

این رویه که انسان با گناه و به شرط انجام کار حرام، درآمد کسب نماید، باعث حرام نمودن لقمه‌هایی است که گاه با

زحمت بسیار به دست می‌آید.

ج. عدم تخصص

یکی دیگر از راه‌های کسب لقمه حرام، ضرر زدن به دیگران به خاطر عدم تخصص در کارها است. به عنوان نمونه: تعمیرکاری که از عیب دستگاه سر در نمی‌آورد و به این خاطر چند جنس را تعویض نموده و هزینه مضاعفی علاوه بر اجرت تعمیر بر دوش صاحب وسیله می‌گذارد، به نوعی مرتکب کسب حرام شده است.

خلاصه آنکه کاسب مؤمن، بر دوری از مال حرام دقت می‌کند و برای کسب درآمد از دین خود مایه نمی‌گذارد و از تعریف و مذمت بی‌جا پرهیز می‌نماید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى فَلْيَجْتَنِبْ خُمْسَ خِصَالٍ وَأَلَّا فَلَا يَبِيعَنَّ وَلَا يَشْتَرِينَ الرَّبَا وَالْخَلْفَ وَكِتْمَانَ الْعَيْبِ وَالْمَدْحَ إِذَا بَاعَ وَالذَّمَّ إِذَا اشْتَرَى؛ (۳۵) هر کس بفروشد یا بخرد، باید از پنج چیز خودداری کند، وگرنه، نه بفروشد و نه بخرد؛ ربا خوردن، سوگند یاد کردن، عیب کالا را پوشیده داشتن، ستودن کالا به هنگام فروش، و بدگویی از کالا به هنگام خرید».

وحید شهوندی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در اداره کل دامپزشکی فارس مهرماه ۹۷

پی‌نوشت‌ها:

- (1) بحث درباره هر یک از عوامل ابتلاء به حرام نیاز به نوشتاری مجزا دارد و بیان آن در این نوشتار تنها به منظور بیان مصادیق درآمد حرام است.
- (2) المقنعة، شیخ مفید، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۹۱.
- (3) تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چهارم، ۱۳۶۵ ش، ج ۷، ص ۶.
- (4) النوادر، سید فضل الله راوندی، مؤسسه دارالکتب، قم، ص ۱۷.
- (5) مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، شریف رضی، قم، چهارم، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۷۵.
- (6) ترجمه المنجد، مصطفی رحیمی، انتشارات صبا، تهران، ۱۳۷۷ ش، چ اول، ص ۷۷۳.
- (7) الرحمن/ ۷ - ۸.
- (8) المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، پنجم، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹، ص ۹۷.
- (9) مطففین/ ۱ - ۴.
- (10) تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۶، ص ۲۴۹ ذیل آیه ۸۵ سوره اعراف.
- (11) برگرفته از تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۱۲ - ۱۱۳.
- (12) مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ج ۱۳، ص ۲۷۶.
- (13) الاستبصار، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق، اول، ج ۳، ص ۱۱۴.
- (14) مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۷۶.
- (15) الاختصاص، شیخ مفید، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق، اول، ص ۲۳۱.
- (16) مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱۵، ص ۴۴۱.
- (17) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۰.
- (18) توضیح المسائل، مراجع، ج ۲، ص ۲۰۲.
- (19) همان، ص ۱۹۵.
- (20) توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۲۱۲.
- (21) برخی از علما خرید و فروش سگ گله و محافظ باغ و بستان را که به قصد همین کار خرید و فروش شود جایز دانسته‌اند و گفته‌اند: در غیر این صورت خرید و فروش سگ برای استفاده‌های دیگر حرام و درآمد حاصل از فروش این حیوان، حرام و مصادیق لقمه حرام است.
- (22) برگرفته از کتاب روزی حلال، محمد علی قاسمی، نور الزهراء، قم، دوم، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۱۸ و ۱۲۲.

- (23) مصباح المنیر، ماده «رَبَّوْ» ترجمه المنجد، ص ۳۴۴.
- (24) بقره / ۲۷۵.
- (25) روزی حلال، ص ۱۰۴.
- (26) بقره / ۲۷۸ - ۲۷۹.
- (27) مجموعه ورام، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبه الفقیه، قم، ج ۱، ص ۱۱۶.
- (28) توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۲۱۵، مسئله ۲۰۷۲.
- (29) درآمد های حلال و حرام، ص ۲۵۲.
- (30) توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۲۱۹، مسئله ۲۰۷۹.
- (31) برای اطلاع از چگونگی هر یک از عقود شرعی و احکام مختص به آنها، رجوع هر یک از مؤمنین به رساله توضیح المسائل مرجع تقلید خویش ضروری است.
- (32) انفال / ۴۱.
- (33) درآمد های حلال و حرام، ص ۳۷.
- (34) وسائل الشیعه، حر عاملی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۹، ص ۴۸۵.
- (35) الخصال، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، دوم، ۱۴۰۳.